

## گفتمان و عملکرد اقتصاد سیاسی در دولت‌های تحصیلدار

محمدعلی شیرخانی\*

حامد خوشگفتار لامع\*\*

### چکیده

تحلیل رفتار دولت‌ها، بخصوص در حوزه رفتارهای اقتصادی، یکی از مسائلی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان قرار داشته است. رفتارهای اقتصادی دولت‌ها بر توسعه ملی کشورهای در حال توسعه نقشی تعیین‌کننده داشته که متقابلاً بر ثبات و امنیت اجتماعی - سیاسی اثر می‌گذارد. رفتارهای اقتصادی دولت، بسته به نوع گفتمان دولت‌ها متغیر می‌باشد. عملکرد اقتصاد سیاسی دولت‌ها در کشورهایی که اقتصادشان متکی به درآمدهای رانتی است، با تأثیری که از گفتمان حاکم بر دولت‌ها می‌گیرند، شاخصه‌های تغییر بیشتری دارند. برای دستیابی به بررسی این رابطه، از روش‌های تحقیق ترکیبی که متکی به توصیف و تحلیل هستند استفاده می‌شود. هدف این تحقیق، معرفی یکی از این روش‌های ترکیبی است تا رابطه گفتمان دولت را با عملکرد اقتصاد سیاسی به صورت روشمند تبیین کنیم. دولت‌های تحصیلدار با توجه به ماهیت خاصی که دارند، برای گفتمان‌های خود شاخصه‌هایی انتخاب می‌کنند که بر عملکرد آنها در حوزه اقتصاد تأثیرگذار می‌باشد. این‌گونه دولت‌ها هرچه بیشتر به منابع رانتی متکی باشند میزان استقلال آنها از جامعه و تأثیر گفتمان‌شان بر حوزه اقتصادی بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، رانت، تحصیلدار، رانت جویی، دولت، اقتصاد سیاسی.

## مقدمه

شاخصه‌های آن می‌پردازد. از بین نظریات موجود در این روش تحلیل، نظریه گفتمان لاکلائو و موفه انتخاب و به توضیح آن پرداخته می‌شود. دلیل انتخاب، این است که در نظریه تحلیل گفتمان رویکردهای متفاوتی وجود دارد که با مطالعه آنها این نتیجه حاصل می‌گردد. رویکرد لاکلائو و موفه بهترین روش برای بررسی و تحلیل مسائل مرتبط با اقتصاد سیاسی می‌باشد. همچنین در ادامه بحث با پرداختن به این نظریه، به جنبه‌های مثبتی که این رویکرد نسبت به دیگر رویکردها در نظریه تحلیل گفتمان دارد اشاره خواهد شد. سپس به نظریه‌های دولت و نظریه‌ای که در خصوص دولت در کشورهای دارای منابع زیرزمینی صادق است پرداخته می‌شود. دلیل این انتخاب نیز این است که در بودجه اکثر این کشورها منابع زیرزمینی سهم بالایی در تأمین درآمدهای بودجه‌ای دارند.

برای مثال، اگر دولتی در گفتمانی که مطرح می‌نماید به دنبال تحقق عدالت اجتماعی باشد، محور اصلی گفتمان خود را بحث از رفاه اجتماعی قرار می‌دهد و آن را به عنوان مدلولی برای تحقق دال مرکزی گفتمان خود به کار می‌گیرد و در حوزه عملکرد اقتصاد سیاسی خود باید به گونه‌ای عمل نماید که جزء جزء رفتارها و سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای باشد که ارتقای رفاه اجتماعی را به همراه داشته باشد. در این زمینه، امکان دارد نیازمند تصمیم‌سازی در حوزه داخلی یا مراودات خارجی خود باشد، به نوعی که این مهم محقق گردد و این رفتار در نهایت منجر به تطابق گفتمان و عملکرد این دولت شود؛ به این صورت که باید در نظام بودجه‌ریزی و اتخاذ سیاست و راه‌کارهای اجرایی به گونه‌ای رفتار نماید تا روند کلی جامعه به سمت تأمین رفاه اجتماعی تغییر جهت دهد. حال در نقطه مقابل، اگر دولتی مباحث دفاعی

دولت‌های جدید با روی کار آمدن خود، گفتمان جدیدی را در حوزه‌های مختلف حاکم می‌نمایند. این گفتمان متشکل از دال و مدلول‌هایی می‌باشد که در طول سال‌ها شکل گرفته است. حاصل این گفتمان‌ها که می‌تواند بخشی از گفتمان اصلی یک نظام سیاسی باشد، تأثیرهای بسزایی بر بخش‌های مختلف از جمله بازار و اقتصاد دارد. این تحقیق به دنبال تبیین روشمند تأثیر گفتمان دولت بر این نهاد مهم، و نیز پاسخ به چگونگی و چرایی این تأثیر می‌باشد. به طور مشخص، به دنبال پاسخ به این سؤال است که گفتمان دولت چگونه بر عملکرد اقتصاد سیاسی تأثیر می‌گذارد و شاخصه‌های این تأثیرگذاری چیست؟

تأثیر گفتمان دولت بر عملکرد اقتصاد سیاسی زمانی نمایان می‌شود که از یک روش تحلیل مناسب استفاده شود. برای بررسی این موضوع، رهیافت‌ها و روش‌های مختلفی وجود دارد. رهیافتی که برای بررسی تأثیر گفتمان دولت‌ها بر اقتصاد سیاسی انتخاب شده است، رویکرد تحلیل گفتمان می‌باشد. از آن‌رو که این رویکرد روش‌هایی را در اختیار محقق قرار می‌دهد تا به وسیله آنها بتواند گفتمان دولت را تحلیل کند، می‌تواند کمک شایانی به تحلیل و فهم موضوع مورد بررسی بنماید. اگرچه در حوزه تحلیل گفتمان و در حوزه اقتصادهای متکی به منابع زیرزمینی و خدادادی مطالب جداگانه‌ای وجود دارد، ولی در حوزه بررسی رابطه و میزان تأثیر گفتمان بر این‌گونه اقتصادها، که موضوع این مقاله می‌باشد، کار چندانی صورت نگرفته است. در هر کجا نیاز بوده، مراجعه شده و مأخذ نیز ذکر شده است. بررسی رابطه گفتمان و عملکرد اقتصاد سیاسی با رویکرد تحلیل گفتمان از جنبه‌های نوآورانه این مقاله است. در قسمت اول، این مقاله به معرفی رهیافت تحلیل گفتمان و

است. لا کلائو و موفه با گسترش الگوی زبان‌شناسی سوسور به عرصه فهم فرایندهای اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. یکی از این فرایندهای اجتماعی، عملکرد در حوزه اقتصاد سیاسی است که فهم آن می‌تواند کمک شایانی به سیاست‌گذاری‌های آینده در حوزه اقتصاد سیاسی بنماید. نظریه گفتمان لا کلائو و موفه بر آن است تا از همه امور اجتماعی برداشتی گفتمانی ارائه دهد. از دیدگاه این نظریه گفتمان، امور اجتماعی به مثابه ساخت‌های گفتمانی قابل فهم‌اند.<sup>(۳)</sup> در واقع، همه پدیده‌های اجتماعی را می‌توان با ابزارهای تحلیل گفتمانی تحلیل و بررسی کرد. مفهوم گفتمان از نظر لا کلائو و موفه خلق معنا به مثابه یک فرایند اجتماعی است که شامل عمل تثبیت معنا نیز می‌باشد.<sup>(۴)</sup> اما چگونه می‌شود که معنای بعضی از نشانه‌ها گاه آنچنان رایج و مرسوم می‌گردد که در نظرها کاملاً طبیعی جلوه می‌کند؟ در نظریه گفتمان لا کلائو و موفه این کار به واسطه مفصل‌بندی صورت می‌گیرد. لا کلائو و موفه مفصل‌بندی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «... ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساخت‌مند حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم.»<sup>(۵)</sup>

گفتمان از نظر آنها حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای درمی‌آیند. معنایشان در آنجا تثبیت می‌شود. هر نشانه‌ای که وارد این شبکه شود و در آنجا به واسطه عمل مفصل‌بندی با نشانه‌های دیگر جوش بخورد، یک «وقته» است. معنای این نشانه‌ها به علت تفاوتشان با یکدیگر تثبیت می‌شود. معنای نشانه‌های درون یک گفتمان حول یک نقطه مرکزی به طور جزئی تثبیت می‌شود. نقطه مرکزی، نشانه برجسته و

وامنیت ملی را در مرکز گفتمانی خویش قرار دهد، مجبور است همه مدلول‌های خود را به گونه‌ای سامان‌دهی نماید تا زمینه‌ساز دستیابی به دال مرکزی، که همان افزایش امنیت و تحقق حداکثری آن است، رقم خورد. به همین دلیل، این دولت، چه در نظام بودجه‌ریزی و چه در برنامه‌ریزی‌ها و روش‌های اجرایی، عمده بودجه و توان کشور را مصروف دستیابی به این هدف می‌نماید. از این رو، با دقت در گفتمان‌های کشورهای مختلف می‌توان چگونگی عملکرد اقتصاد سیاسی آنها را در قبال جامعه تحلیل نمود.

### تحلیل گفتمان

روش تحلیل محتوا از مهم‌ترین روش‌های پژوهشی در علوم انسانی - اجتماعی است که دارای زمینه‌های گوناگون و وسیع و با سابقه‌ای طولانی می‌باشد. این روش که به صورت یک ابزار علمی در اختیار محققان علوم اجتماعی قرار گرفته، یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق است و می‌توان گفت هر محقق به صورتی با آن سر و کار دارد. استفاده از این روش در زمینه جمع‌آوری سندها و توصیف واقعیت‌ها می‌تواند دستاوردهای شایان توجهی را فراهم سازد.<sup>(۱)</sup>

پنیکوک هدف اصلی تحلیل انتقادی گفتمان را کشف و در نهایت، رفع نابرابری‌های اجتماعی می‌داند. بسیاری از تحلیلگران انتقادی گفتمان رویکرد خود را انتقادی می‌نامند؛ زیرا معتقدند زبان عامل تولید و حفظ نابرابری‌های اجتماعی است و وظیفه آنها کشف این نابرابری‌ها و رفع آنها از طریق افزایش هوشیاری مردم است.<sup>(۲)</sup> در بین نظریاتی که در خصوص رهیافت تحلیل گفتمان وجود دارد، می‌توان به نظریه لا کلائو و موفه اشاره کرد که برای چارچوب نظری این مقاله انتخاب شده

گفتمان‌ها هیچ‌گاه صد در صد تثبیت نمی‌شوند به نحوی که امکان هرگونه تغییر و دگرگونی معنایی تحت تأثیر چندگانگی معنایی حوزه گفتمان‌گونگی، از آنها سلب شود.<sup>(۹)</sup> بنابراین، مباحث می‌توان گفت: گفتمان‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق تبدیل عناصر به وقته‌ها و کاهش معانی متعدد یک نشانه به یک معنا و ایجاد نوعی انسداد در معنای نشانه، ابهام معنایی را برطرف سازند. اما این عمل به طور کامل امکان‌پذیر نیست و معنا به طور صد در صد تثبیت نمی‌شود؛ زیرا احتمالات معنایی‌ای که در حوزه گفتمان‌گونگی وجود دارند همواره ثبات معنا در گفتمان موردنظر را تهدید می‌کنند. از این رو، همه وقته‌ها به طور بالقوه چند معنا باقی می‌مانند و همیشه این احتمال وجود دارد که هریک از معانی دیگر بروز پیدا کند.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، در تحلیل سخنرانی‌های سیاست‌مداران از این فن استفاده می‌شود. این روش، بخصوص از یک جهت بر روش‌های دیگر برتری داده می‌شود و آن اینکه نیاز به جمع‌آوری اطلاعات در آن نیست؛ اطلاعات آن، موجودند و باید استنتاج و یا به عبارت دیگر، تحلیل شوند.<sup>(۱۰)</sup> برخی تعاریف دیگر مشابه تعریف فوق بیانگر این است که تجزیه و تحلیل محتوا، فن تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و مقداری آشکار ارتباطات به کار می‌رود.<sup>(۱۱)</sup>

ویژگی‌های منظم بودن، عینی بودن، قابل رؤیت بودن و کمی بودن در تعریفی دیگر از فن تحلیل محتوا وجود دارد. تحلیل محتوا به هر نوع فنی اطلاق می‌شود که در راه استنتاج منظم و عینی ویژگی‌های خاص یک متن به کار می‌آید. موریس دوورژه با تعبیری دیگر از این روش می‌نویسد: تحلیل محتوا، مقوله‌بندی همه اجزای یک متن در جعبه‌های مختلف است. بدین ترتیب، مقدار اجزای عناصری که در هر جعبه، مرتب شده‌اند اولویت متن را

ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند.<sup>(۶)</sup> تثبیت معنای یک نشانه در درون یک گفتمان از طریق طرد دیگر معانی احتمالی آن نشانه صورت می‌گیرد. از این رو، یک گفتمان باعث تقلیل معنای احتمالی می‌شود. گفتمان تلاش می‌کند تا از لغزش معنایی نشانه‌ها جلوگیری کند و آنها را در یک نظام معنایی یک‌دست محصور کند.<sup>(۷)</sup>

لاکاتو و موفه معنای احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد می‌شوند «حوزه گفتمان‌گونگی» می‌نامند. حوزه گفتمان‌گونگی در واقع، معنایی‌ای است که از یک گفتمان سرریز می‌شوند؛ یعنی معنایی‌ای که یک نشانه در گفتمان دیگری دارد و یا داشته است، ولی از گفتمان موردنظر حذف و طرد شده‌اند تا یک‌دستی معنایی در آن گفتمان حاصل شود. بنابراین، هر چیزی که از یک گفتمان حذف می‌شود و یا خارج از آن است، در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارد. اما چون گفتمان‌ها همیشه در تقابل با حوزه خارج از خود قرار دارند، همیشه این احتمال وجود دارد که شیوه تثبیت معنای نشانه در یک گفتمان توسط شیوه‌های دیگر تثبیت معنا در گفتمان‌های دیگر به چالش دربیاید. در اینجاست که مفهوم «عنصر» کاربرد پیدا می‌کند. عنصرها نشانه‌هایی هستند که در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارند و دارای چندگانگی معنایی‌اند.<sup>(۸)</sup>

با توجه به این مطالب، تعریف کامل‌تر گفتمان از دیدگاه لاکاتو و موفه چنین است: «گفتمان تلاشی است برای تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق کاهش چندگانگی معنایی شان به یک معنای کاملاً تثبیت‌شده.» در این حالت، نوعی انسداد در معنای نشانه حاصل می‌شود و مانع از نوسانات معنایی آنها می‌گردد. اما این انسداد و انجماد به هیچ وجه دائمی نیست. در واقع، انتقال از حالت عنصر به وقته، هیچ‌گاه کاملاً صورت نمی‌گیرد. بدین ترتیب،

برای تبیین میزان اهمیت واژه دولت، ذکر این نکته کفایت می‌کند که اندیشمندان سیاسی در مقام تعریف علم سیاست، به دو گروه عمده تقسیم شده‌اند؛ گروهی علم سیاست را «علم قدرت» و بعضی دیگر آن را «علم دولت» می‌دانند.<sup>(۱۳)</sup> هم‌عرضی قدرت و دولت، نشان‌دهنده اهمیت و محوریت این واژه است. بلونشکی در کتاب *نظریه دولت*، علم سیاست را علمی می‌داند که موضوع آن دولت است. گروهی از اندیشمندان غربی نیز به مکتب هواداران دولت معروف شده‌اند. از جمله آثار مهمی که به نحوی بر اهمیت احیای نگرش دولت‌محور در عصر حاضر دلالت دارند، می‌توان به کتاب‌های *نظریه‌های دولت نوشته اندرو وینسنت*، *تکوین دولت مدرن* اثر جانفرانکو پوجی<sup>(۱۴)</sup> و *نظام‌های حکومتی اثر ژان بلاندل*<sup>(۱۵)</sup> اشاره کرد که در مجموع، از اولویت موضوع دولت بر سر قدرت و سیاست حکایت دارند. نگرش‌ها و رویکردهای مختلف و متعددی هم در باب طبقه‌بندی‌های گوناگون دولت وجود دارد و بر حسب معیارهای مختلفی می‌توان آن را طبقه‌بندی کرد. اندرو وینسنت، علت این مسئله را در پیچیدگی تاریخ بشر و درهم‌گسیختگی تاریخ می‌داند. از آن‌رو که موضوع مقاله پیوستگی ویژه‌ای با دولت‌های خاورمیانه دارد، به نظر می‌رسد دولت‌های این منطقه به دلیل وابستگی‌شان به منابع زیرزمینی و شکل تحصیلدار بودن آنها، باید مورد بررسی قرار گیرند. در بخش بعدی، اجمالی از شکل دولت‌های این منطقه بیان می‌شود.

### دولت در خاورمیانه

در میان کشورهای جهان، کشورهای خاورمیانه از ساختی تاریخی و متصلب در خصوص شیوه حکومت‌داری، برخوردارند؛ ساختی که عملاً و نه لزوماً به صورت

مشخص می‌کند.<sup>(۱۲)</sup> تحلیل محتوا می‌تواند هم به صورت مقطعی و هم به صورت طولی انجام پذیرد. در نوع مقطعی، محتوای یک اثر در یک زمان معین از یک نویسنده خاص تحلیل می‌شود. در نوع طولی، محتواها در خلال یک دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از آن‌رو که بحث از گفتمان و تأثیر آن بر عملکرد اقتصاد سیاسی در قالب مفهومی به نام «دولت» شکل می‌گیرد، لازم است در این قسمت پیرامون نظریات دولت، بخصوص نظریه‌های دولت در کشورهایی که اقتصادشان متکی به فروش منابع زیرزمینی است، مباحثی مطرح شود. این بحث به فهم قسمت‌های بعدی کمک خواهد کرد. اگرچه بحث پیرامون دولت به طور عام و در خصوص کشورهای مورد اشاره به طور خاص، بسیار گسترده است، با این حال، به نظر می‌رسد برای آنکه بتوان ظرفی ایجاد نمود تا گفتمان در آن قالب قرار گیرد لازم است که در این حوزه نیز مطالبی بیان شود. در خصوص دولت نظریه‌های متعدد و متنوعی وجود دارد که هر یک از محققان با زاویه دید خاصی به آن پرداخته است. برای بررسی مفهوم دولت در کشورهایی که اقتصادشان متکی به منابع زیرزمینی است، به نظر می‌رسد باید از نظریاتی استفاده شود که هم در حوزه اقتصاد بتواند پاسخگوی مطالب مطرح‌شده در این حوزه باشد و هم جوابگوی نیازهای حوزه گفتمانی.

### دولت

دولت، واژه پیچیده‌ای است که شاید در گستره مباحث سیاسی، کمتر بتوان معادلی برای آن یافت که از حیث اهمیت بتواند با آن برابری کند. این پیچیدگی مفهومی دولت از آنجا ناشی می‌شود که اساساً بر سر آن چیزی که تحت این عنوان تعریف می‌شود، توافق کمی وجود دارد.

در منطقه خاورمیانه، دولت را به عنوان محرک و عامل توسعه، همانند دولت‌های جهان سومی به شمار می‌آورند که فرایند توسعه مورد نظر آن، نگرشی از بالا به پایین می‌باشد و همیشه دولت یک نهاد مهم بوده و در هرگونه برنامه‌ریزی در امر توسعه باید به نقش آن توجه شود. در مورد دولت در این منطقه، نظریات مختلفی ارائه شده است. برای نمونه، در خصوص ایران برخی معتقدند: دولت در ایران قبل از انقلاب به یک دستگاه دیوان‌سالاری (با پیشینه اشرافی آن) که در کلیه امور حکومت می‌کند و کلیه نهادهای فرهنگی را در اختیار دارد، شبیه است. اما در عمل پایگاه طبقاتی این دولت مشخص نیست و فراسوی طبقات قرار دارد و در نتیجه، نیازی به مشروعیت بیرونی خارج از خود را پیدا نمی‌کند.<sup>(۲۰)</sup> ریشه نظریاتی همچون استبداد نفتی، استبداد شرقی، شیوه تولید آسیایی و... را می‌توان در دولت‌های منطقه خاورمیانه جست‌وجو نمود. تا پیش از کشف نفت، ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع، اینچنین فرایندی را ایجاد می‌کرد. در واقع، با ورود نفت و تزریق آن به ساختارهای سیاسی کشورهای نفتی، نیروی استبداد در این کشورها دو چندان شد و دخالت دولت‌ها در عملکرد بازار و کنترل مستقیم آن بر بسیاری از کالاها، مؤید این امر بود. درآمد نفت اگرچه خون زیادی را در رگ‌های ساختارهای سیاسی این منطقه تزریق نمود، اما این خون حامل ویروس‌هایی بود که مصونیت ذاتی نظام را در مقابل عوامل تهدیدکننده به شدت کاهش می‌داد و علایم بالینی ناموزون یعنی گسیختگی، از ریختافتادگی و نابرابری به طور روزافزونی خودنمایی می‌کرد.<sup>(۲۱)</sup> به هر حال، نفت و درآمدهای ناشی از آن، قدرت دولت‌ها را چندین برابر کرد و ویژگی فراسو بودن دولت از طبقات اجتماعی را دو چندان نمود.

قانونی از فلسفه سیاسی - اجتماعی جمع‌گرا تبعیت کرده و به دلیل دخالت‌های نامحدود و بالفعل حکمرانان مطلق‌العنان و دولت‌های مختلف در شئون زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم، جامعه مدنی به معنای گروه‌ها و نهادهای واسط و داوطلبانه بین مردم و دولت‌ها شکل نگرفته است و عمدتاً تفوق از آن اجتماعات طبیعی است.<sup>(۱۶)</sup> در خاورمیانه برخلاف فئودالیسم و سرمایه‌داری که در آنها به ترتیب، گروه‌های منزلت و طبقات اجتماعی حرف اول را می‌زنند، این گروه‌های قدرت است که در دسترسی به سایر منابع کمیاب ثروت و حیثیت، گوی سبقت را از طبقات اجتماعی و گروه‌های منزلت ربوده است. به عقیده جیمز بیل، در خاورمیانه به جای آنکه ثروت به قدرت بینجامد، قدرت به ثروت انجامیده است.<sup>(۱۷)</sup> همین موضوع است که باعث شده الگوی عملی اکثر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی این منطقه اقتدارگرا و استبدادی باشد.

از سال‌های بسیار دور، یک ساخت استبدادی و انحصاری و الگوی رفتاری اقتدارگرا بر این منطقه سایه افکنده است. برای مثال، در ایران این ساخت استبدادی و انحصاری، دوران جدید خود را با روی کار آمدن حکومت پهلوی تجربه کرده است؛ ساخت متمرکزی که هرچند ابعاد سیاسی - استبدادی آن بعد از انقلاب اسلامی به شدت تضعیف گردیده است، اما مضمون تمرکزگرایی خود را دست‌کم در ابعاد تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اداره کشور حفظ کرده است.<sup>(۱۸)</sup> بدیهی است که تحقق کامل قانون اساسی به مثابه مظهر جامعه مدنی، گامی اساسی در ایجاد زمینه و گسترش فضای شکل‌گیری گروه‌ها و نهادهای واسط در جامعه برخواهد داشت.<sup>(۱۹)</sup> این فرایند می‌تواند هرچه بیشتر به ضعیف‌تر نمودن این ساخت‌های اقتدارگرا کمک نماید.

دسته‌بندی می‌نمایند. در نخستین سطح، به بحث دربارهٔ اقتصاد رانتیر می‌پردازند؛ بدین معنا که جریان مقادیر عظیمی از رانت‌های خارجی را، و نقش مهمی که در کارکرد اقتصاد داخلی ایفا می‌کنند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. در سطح دوم، به بررسی دولت تحصيلدار و ویژگی‌های عمدهٔ آن پرداخته می‌شود. از آن‌رو که اکثر اندیشمندان حوزهٔ سیاست و اقتصاد معتقدند دولت تحصيلدار - در واقع - دربردارندهٔ نوع ویژه‌ای از اقتصاد رانتیر است که در آن، رانت به طور مستقیم به خزانهٔ دولت سرازیر می‌شود و دولت در هزینه کردن آن اختیار تام دارد. بنابراین، تمایزی بین دو سطح مذکور قایل نشده و به بررسی مفهومی هر دو سطح می‌پردازیم.<sup>(۲۲)</sup> در این زمینه، پس از تعریف مفاهیم «رانت» و «دولت تحصيلدار»، تأثیرهای رانتیرسیم بر دولت، بر ارتباط دولت و جامعه، و بر اقتصاد داخلی را به اختصار بیان می‌نمایم.

رانت در لغت به معنای کرایه و اجاره گرفتن چیزی است. در مورد معنای اصطلاحی آن، تعاریف متعددی گفته شده است. بنابراین، می‌توان گفت: مفهوم رانت مانند سایر مفاهیم اجتماعی دچار بحران تعریف و اغتشاش معنایی است. رانت در وهلهٔ نخست یک مفهوم اقتصادی است که به تدریج به سایر حوزه‌ها نیز سرایت کرده است. رانت‌جویی کنشی است در جهت کسب رانت. در این فرایند، فرد یا افرادی که از وجود زمینه‌های رانت مطلعند به کسب آن مبادرت می‌کنند و به دلیل آنکه فعالیتی کم‌زحمت و پرسود است، طرف‌داران زیادی پیدا کرده است. در رانت‌جویی، شخص یا گروهی صاحب نفوذ، درصدد تحصیل سود ویژه به بهای تمام شدن هزینه آن به حساب جامعه هستند.<sup>(۲۳)</sup>

به طور خلاصه می‌توان گفت: رانت عبارت است از درآمدی خارج از عرصهٔ فعالیت‌های مولد اقتصادی که به

در عین حال، نفت باعث جذب شدید سرمایه به نفع دولت‌ها شد و به جای آنکه دولتی را از نوع کلاسیک سرمایه‌داری برقرار کند و به تبع طبقات مسلط شکل بگیرد، روند معکوس داشت و این دولت بود که می‌توانست با تکیه بر منابع درآمد مستقل به شکل‌دهی طبقات اجتماعی بپردازد. از سوی دیگر، کلیهٔ سرمایه‌گذاری‌های خارجی هم حول و حوش نفت بود و به جای اینکه این نوع سرمایه‌گذاری در واحدهای تولید و مولد به کار گرفته شود بیشتر به کارهای غیرمولد اقتصادی، به ویژه در امر نفت، به کار گرفته شد. این مطلب، یک وجه موضوع است. وجه دیگر آن، آگاهی توده‌ها و عموم شهروندان است که نسبت به حقوق و وظایف خود و دولت‌ها از پیش و آگاهی برخوردار شده‌اند و در همین زمینه، به دنبال احقاق حقوق خود برآمده‌اند. از همین‌رو، می‌طلبند تا حکومت‌ها - یا به عبارت دیگر، دولت‌ها - شرایط و فضا را به گونه‌ای رقم بزنند تا هم فضا و شرایط برای ادامهٔ فعالیت‌های خود را فراهم نمایند و هم به گونه‌ای عمل نمایند که باعث عدم رضایت مردم نشوند. به همین دلیل، به دنبال اتخاذ گفتمانی برمی‌آیند که بتواند هر دو خواستهٔ ذکر شده عملی سازد. با توجه به مطالبی که ذکر آنها رفت، الگویی که برای بررسی دولت‌ها در این نوع از کشورها صدق می‌کند الگوی «دولت تحصيلدار» می‌باشد. پس از توضیح و بیان شاخصه‌های این نوع از دولت‌ها، به چگونگی ارتباط و تأثیر آنها در جوامع و همچنین تأثیرهایی که می‌توانند بر اقتصاد سیاسی داشته باشند اشاره خواهد شد.

### رانت و رانت‌جویی

اکثر مقالات و رساله‌هایی که در حوزهٔ اقتصاد سیاسی به پدیدهٔ «رانت» می‌پردازند بررسی‌های خود را در دو سطح

زمین، قاچاق کالا، قانون شکنی و هرگونه امتیازات دولتی خارج از برگزاری مناقصه و... دست می‌یابند. این عمل باعث نهادینه شدن فساد مالی، حذف وجدان‌کاری، گسترش قاچاق کالاهای مشمول رانت، تضعیف تولید ملی، تبعیض ناروا، و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور بر دوش طبقه ضعیف خواهد شد.<sup>(۲۵)</sup>

در میان رانت‌خواران افراد محدودی هستند که با توسل به ابزارهایی که دیگران بدان دسترسی ندارند، مانند دسترسی به قدرت سیاسی، وابستگی به افراد صاحب نفوذ، دسترسی به مجوزهای خاص و منابع مالی کلان بانک‌ها و در اختیار داشتن برخی اطلاعات، استفاده از تسهیلات بخش دولتی به نفع افراد حقیقی و شرکت‌های خصوصی و... برای کسب منافع گسترده تلاش می‌کنند و تمام توان خود را برای حفظ و گسترش ثروت‌های آنچنانی به کار می‌بندند. این عمل نوعی اشرافیت اقتصادی ایجاد می‌کند که پیامد آن ناهمگونی اقتصادی و بیکاری در سطح وسیع، از بین رفتن عدالت در عرصه تولید و انباشت سرمایه در دست گروهی خاص خواهد شد.<sup>(۲۶)</sup>

### دولت تحصیلدار

با توجه به مقدماتی که مطرح شد و با استفاده از مفهوم اقتصاد رانتی و یا دولت تحصیلدار در تحلیل اوضاع اقتصادی و سیاسی برخی از کشورهای جهان، از یک منظر می‌توان اقتصاد این کشور را با توجه به طبقه‌بندی بانک جهانی، از اقتصادهای متکی به استخراج منابع معدنی و زیرزمینی دانست. از دیدگاه بانک جهانی، «اقتصاد معدنی»<sup>(۲۷)</sup> به اقتصادهایی اطلاق می‌شود که درآمدهای حاصل از تولید مواد معدنی دست‌کم ۱۰ درصد از تولید ناخالص ملی و یا ۴۰ درصد از کل میزان صادرات آن کشورها باشد. در همین حال، برخی از

لحاظ مفهومی، امکان سرایت به حوزه‌های دیگر را نیز دارد. رانت‌جویی در ساده‌ترین معنا، سوءاستفاده از فرصت‌ها و امکانات جامعه است. رانت به ثروت بادآورده و به هر پرداختی گفته می‌شود که بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت باشد. رانت‌جویی عبارت است از جست‌وجو برای دست یافتن به این درآمد مازاد. برخی معتقدند: خلأهای قانونی، ضعف یا ابهام در قوانین، اجرا نشدن برخی قوانین و عدم برخورد جدی دستگاه‌های نظارتی و قضایی با مفسدان، کم‌توجهی به خشکانیدن ریشه‌های فساد و... از عوامل مهم و اساسی در پیدایش رانت به شمار می‌آیند.<sup>(۲۴)</sup>

برای مثال، مقررات بازرگانی به افراد خاصی اجازه می‌دهد که با استفاده از رابطه و ملاحظات ویژه، از موقعیت انحصاری خود برای انجام معامله بهره‌مند شوند و ثروت‌های بادآورده و بی‌شماری را کسب کنند. یکی از عرصه‌های فسادخیز، مربوط به قراردادهای داخلی و خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و عمرانی و مراکز مهم تصمیم‌گیری پولی، مالی و بورس است. البته نباید از واگذاری اموال عمومی به شکل انحصاری یا رانتی به افراد خاصی غافل شد. در کنار این عوامل، قانون‌شکنی نیز جایگاه ویژه‌ای در به دست آوردن ثروت‌های ناروا دارد.

رانت‌خواران افرادی حقیقی یا حقوقی هستند که بدون انجام کار مفید - و حتی گاهی مضر - برای اقتصاد کشور، در ازای پرداخت رشوه یا با پارتی‌بازی به امتیازنامه‌های انحصاری مانند دریافت مجوز موردی برای سهمیه‌های وارداتی، صدور کالا، توزیع، خرید و فروش موافقت اصولی واحدهای صنعتی تجاری، اختصاصی‌سازی منابع و صنایع دولتی، فروش اطلاعات مالی، تخصیص ارز ارزان قیمت و اعتبارات بانکی و



اقتصاد داخلی کشور نداشته باشد.

۳. در یک دولت تحصیلدار فقط درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت می‌باشد و بنابراین، اکثریت جامعه دریافت‌کننده یا توزیع‌کننده رانت هستند.

۴. دولت تحصیلدار دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است و نقش اساسی در هزینه نمودن آن ایفا می‌نماید.<sup>(۳۰)</sup> با توجه به مطالب پیش‌گفته، برخی از منابع طبیعی قابل مبادله، مانند نفت، گاز و معادن، جزو آن دسته از کالاهایی هستند که قیمت فروششان در بازارهای جهانی بیش از هزینه‌های استخراج یا تولیدشان می‌باشد. بنابراین، بنا به تعریف رانت، یکچنین منابعی برای کشور دارنده آن، ایجاد رانت می‌نماید و اگر دولت‌های آنها مخارجشان را به این درآمدها استوار نمایند به دولت‌های رانتیر یا تحصیلدار تبدیل می‌شوند.<sup>(۳۱)</sup>

این‌گونه از دولت‌ها معمولاً دارای شیوه خاصی از سیاست و حکومت هستند. این شیوه خاص سیاست و حکومت دارای مشخصه‌هایی است؛ از جمله اینکه اولاً، رانت در کنترل نخبگان حاکم است و ثانیاً، نخبگان حاکم از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌نمایند تا در نتیجه، ثبات سیاسی دولت را حفظ کنند.<sup>(۳۲)</sup>

با توجه به مطالبی که ذکر شد، وابستگی به منابع رانتی به عنوان جزء داخلی رفتار دولت تحصیلدار مفروض گرفته می‌شود. نمود این وابستگی به صورت مشخص در گفتمان دولت‌های حاکم شکل می‌گیرد. اگرچه بهره‌مندی از رانت توسط دولت‌ها بر روی دولت و همچنین بر روی رابطه دولت و جامعه تأثیر می‌گذارد، ولی شکل اصلی که این مقاله به دنبال بررسی آن می‌باشد تأثیری است که رانت بر عملکرد اقتصاد سیاسی دارد.

یکی از مباحثی که در نظریات اقتصاد سیاسی در

پژوهشگران مسائل اقتصاد سیاسی نظیر حازم بیلاوی نیز در تحقیقات و مطالعات خود به این جمع‌بندی رسیده‌اند که هر دولتی بیش از ۴۲ درصد از کل درآمدهایش از رانت خارجی باشد، دولت تحصیلدار محسوب می‌شود.<sup>(۲۸)</sup>

البته مفهوم رانت را نباید محدود به مطالعات چند دهه اخیر دانست؛ چراکه اقتصاددانان کلاسیک نظیر دیوید ریکاردو و آدام اسمیت نیز به این مفاهیم توجه داشتند و آن را در آثار خود مد نظر قرار داده بودند. برای مثال، از نظر اسمیت، رانت نوع ویژه‌ای از منابع درآمدی است که با دیگر منابع درآمد همچون «سود» و «دستمزد» تفاوت دارد و در نتیجه، بدون نیاز به هرگونه تلاش یا فعالیت تولیدی و ایجاد ارزش افزوده در کالا، نصیب فرد یا گروه خاصی می‌شود.<sup>(۲۹)</sup>

وی دولت تحصیلدار را دولتی تلقی می‌کند که به واسطه دسترسی به سطحی مشخص از درآمدهای بادآورده، از جمله درآمدهای حاصل از فروش منابع زیرزمینی، مثل نفت و گاز، گونه‌ای خاص از حکومت و سیاست را طراحی کرده که بر اقتدارگرایی و فساد اداری مبتنی است و احتمال زیادی برای وقوع جنگ داخلی در آن وجود دارد.

حاجی‌یوسفی در کتاب *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران* دولت تحصیلدار را این‌گونه تعریف می‌کند: دولت تحصیلدار دولتی است که مقادیر قابل توجهی از رانت‌های خارجی را به شکل منظم دریافت می‌کند. ویژگی‌های عمده دولت تحصیلدار عبارتند از:

۱. هر کشوری که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد دولت تحصیلدار نامیده می‌شود.
۲. رانت‌ها باید از خارج کشور تأمین شوند. به عبارت دیگر، رانت هیچ‌گونه ارتباطی با فرایندهای تولیدی در

## تأثیر گفتمان بر عملکرد اقتصاد سیاسی دولت‌های تحصیلدار

اقتصاد سیاسی دولت‌های تحصیلدار دارای ابعاد مختلفی است و در ادبیات مربوط، طیف مختلفی از توضیحات اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و سازمانی در ارتباط با اشکال اقتصادی - اجتماعی اتکا به منابع طبیعی مطرح شده است. آثار اقتصادی - اجتماعی مستقیم پدیده رانت منابع را به علت گستردگی مباحث، از سه زاویه مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم: اول اینکه منابع طبیعی به دیگر بخش‌های تجارت و منابع رشد اقتصادی و توسعه آسیب می‌زنند؛ دوم، سبب پیگیری سیاست‌های اقتصادی غیرعقلانه می‌گردند و سوم اینکه اقتصاد کشور را در برابر شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر می‌کنند. (۳۴)

اتکا به فروش منابع طبیعی، بخصوص زمانی که این منابع با افزایش بها روبه‌رو می‌شوند، اغلب اثری منفی بر بخش‌های تولید صنعتی و دیگر بخش‌های قابل تجارت بر جای می‌گذارد و در عوض، بخش‌های اقتصادی غیرمولد را گسترش می‌دهد. از این پدیده به عنوان «بیماری هلندی» نیز یاد می‌شود. نتیجه این شرایط، تنوع اندک اقتصادهای متکی به این منابع است که سبب وابستگی هرچه بیشتر آنها به صدور منابع طبیعی می‌شود. نتیجه این وضعیت، افزایش آسیب‌پذیری حوزه اقتصاد کلان در این‌گونه اقتصادهاست. (۳۵) حال اگر در مرکز گفتمان در این مقطع زمانی، دولت نگاهی مبنی بر جلب و افزایش محبوبیت برای بالابردن مشروعیت و مقبولیت داشته باشد، این درآمدها را در راستای اهداف خود مصرف می‌نماید. به عبارت دیگر، بخشی از منابع درآمدی به جای اینکه صرف ایجاد زمینه‌های اقتصادی مولد شود، صرف افزایش رضایت‌مندی از دولت می‌گردد و بخش دیگری هم صرف افزایش تولید. به همین دلیل،

خصوصاً آثار رانت منابع طبیعی مطرح است بحث استقلال دولت از جامعه می‌باشد. اتکای دولت به منابع طبیعی برای کسب درآمد در مقایسه با اتکای آن به یک زمینه اجتماعی گسترده‌تر به صورت اخذ مالیات، ممکن است مشکلات سیاسی زیر را ایجاد کند: استقلال عمل دولت از شهروندان، کاهش توان استخراجی و بازتوزیعی دولت، مداخله خارجی، کودتا و ضدکودتا، نبود انگیزه برای سیاست مدنی، شفاف نبودن هزینه‌های عمومی و گسترش فساد و سرانجام، ناکارآمدی دستگاه اجرایی و بوروکراسی. (۳۳)

یکی از مسائلی که می‌تواند تفاوت دولت‌ها را در چگونگی ارتباط با شهروندان خود نشان دهد، منابع درآمدی آنهاست. طبق نظر بسیاری از اندیشمندان حوزه سیاست، مالیات‌گیری حکومت، سرشت نمایندگی آن را از خواست‌های مردم افزایش می‌دهد. نمایندگی حاصل توافقاتی است که میان صاحبان قدرت و مالیات‌دهندگان حاصل می‌شود و در آن، حکام در ازای دریافت مالیات می‌پذیرند که خواست‌های مالیات‌دهندگان را نمایندگی کنند. رانتی که دولت تحصیلدار دریافت می‌کند دولت را قادر می‌سازد تا از آن برای کسب و حفظ مشروعیت خود استفاده نماید. استفاده از رانت برای جلب حمایت جامعه، یکی از ویژگی‌های عمده و ضروری الگوی سیاست و حکومتی این نوع از دولت‌هاست.

بر این اساس، می‌توان به شکل ساده گفت: دولت‌های متکی به مالیات، در مقایسه با دیگر دولت‌ها، به میزان بیشتری به پاسخ‌گویی و نمایندگی از شهروندان گرایش دارند. از این‌رو، در حوزه گفتمان نیز به گونه‌ای عمل می‌نمایند که مردم را سهم در قدرت خویش بدانند و امکان قبضه انحصاری قدرت را نیز ندارند.

متخصصانی که در این جوامع با عملکرد و گفتمان دولت همراهی نمی‌کنند جایی ندارند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهاجرت نخبگان در بسیاری از این‌گونه کشورها این موضوع باشد. دولت‌های تحصیلدار برای گسترش تولیدات داخلی و در نتیجه، کاهش وابستگی به رانت خارجی از خود تمایلات فراوانی نشان می‌دهند و اغلب نخبگانی که خواهان حضور در رأس هرم قدرت هستند در گفتمان خود از آن به صورت ویژه یاد می‌کنند. این تمایل در اغلب موارد به ایجاد صنایعی منجر شده است که کارایی لازم را ندارند و به هیچ وجه در سطح جهانی رقابتی نیستند. در این ارتباط، به کاهش تولیدات کشاورزی و عدم توجه به آن نیز پرداخته شده است. در واقع، در دسترس بودن مقادیر عظیم رانت خارجی باعث شده تا واردات مواد غذایی راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از تولید داخلی آن باشد. همچنین فرصت‌های جذابی که در شهرها به وجود می‌آید باعث جذب نیروی کار کشاورزی به شهرها شده است.<sup>(۳۷)</sup> حال نخبگانی می‌خواهند در رأس قدرت قرار بگیرند، باید با برنامه‌ریزی صحیح، آموزه کار و تلاش با جدیت برای سازندگی و آبادانی کشور را به طور واقعی در مرکز گفتمان خود قرار دهند. یکی از شاخصه‌های عملیاتی کردن این آموزه را در توسعه زیرساخت‌هایی مانند کشاورزی باید تعریف نمود. از سوی دیگر، باید بین گفتمان و عملکرد خود به گونه‌ای با تطابق عمل نمایند که باعث شود برنامه و منابع به سمت توسعه این زیرساخت‌ها پیش رود تا هم فرصت‌های شغلی در روستاها ایجاد شود و هم از مهاجرت به سمت شهرها جلوگیری به عمل آید.

یکی از ویژگی‌هایی که در بسیاری از دولت‌های تحصیلدار قسابل رؤیت است بحث از چگونگی سیاست‌گذاری در مدیریت و مصرف درآمدهای حاصل

گفتمان دولت به سمت شعاری بودن و بیان آرزوها و آمال دور و دراز و تهییج مردم پیش می‌رود و در یک فرایند گفتمانی شاهد هستیم که ایده‌آل‌گرایی و آرمان‌گرایی به مرکز گفتمان تغییر جهت می‌دهد، به گونه‌ای که در این شرایط برخورد با شهروندان نیز در قالبی خاص قرار می‌گیرد و سبب طرد برخی از نیروهای متخصص می‌گردد. از سوی دیگر، برخی از کارشناسان توسعه، سرمایه‌طبیعی را سبب طرد سرمایه‌انسانی می‌دانند، به گونه‌ای که کشورهای غنی از منابع، از توسعه منابع انسانی خود غفلت می‌کنند؛ زیرا ثروت منابع طبیعی مانع از توجه‌شان به این سرمایه می‌شود. به عبارت دیگر، الگوی تخصصی شدن اقتصادهای غنی از منابع، به گونه‌ای است که سبب بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی می‌گردد. صنعتی شدن یک اقتصاد، یعنی رشد بخش تولیدات صنعتی، عموماً با تقاضای گسترده برای جذب نیروی کار با مهارت متوسط همراه است. این در حالی است که اقتصادهای متکی به منابع طبیعی، در بخش خدمات و منابع طبیعی، اساساً به جذب نیروی کار با مهارت پایین گرایش دارند و به شمار بسیار کمی نیروهای متخصص نیازمندند.<sup>(۳۶)</sup> از مهم‌ترین دلایل این امر نیز می‌توان به این موضوع اشاره نمود که چون منابع به صورت خام به فروش می‌رسند و قرار نیست به فراوری خاصی برسند، این دولت‌ها تصمیم می‌گیرند تا آنجا که ممکن است هم فرایند کوتاه‌تر و ارزان‌تری برای دستیابی به درآمد را طی نمایند و هم وقت و انرژی خود را صرف آموزش نیرو نمایند. ناگفته پیداست که نیروی متخصص و آموزش‌دیده می‌تواند نسبت به بسیاری از تصمیمات اظهارنظر نموده و شرایط را دست‌خوش تغییر قرار دهد. از همین رو، در بسیاری از این گفتمان‌ها، قانون غلط «هر که با ما نیست بر ماست» حاکم می‌باشد و نخبگان

مشکل بدهی‌ها. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که دولت دست به ریسک زده و به امید افزایش درآمدها در آینده، اقدام به اخذ وام از خارج بنماید. از جمله کشورهای دارای منابع طبیعی، می‌توان به کشورهای آفریقایی اشاره کرد که جزو کشورهای به شدت بدهکار هستند.<sup>(۳۸)</sup>

یکی دیگر از زوایایی که می‌توان در بحث از دولت‌های تحصیلدار مطرح نمود بحث آسیب‌پذیری این دولت‌ها در قبال شوک‌های تجاری می‌باشد. بسیاری از اقتصاددانان مدعی هستند که منابع طبیعی از قانون تقاضا تأثیر می‌گیرد؛ بر همین اساس، بهای نسبی آنها با افزایش یافتن تدریجی درآمدها، کاهش پیدا می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که بهای منابع طبیعی در مقایسه با محصولات صنعتی حساسیت کمتری نسبت به تقاضا دارد؛ به این معنا که با کاهش بهای این منابع، تقاضای مصرف آنها به آسانی افزایش پیدا نمی‌کند. از سوی دیگر، این اعتقاد نیز وجود دارد که کشورهای صنعتی با ابزارهای مختلف تلاش می‌کنند بهای این منابع و مواد خام همواره در بازار پایین نگه داشته شود. در نتیجه، می‌توان گفت که اقتصادهای متکی به صدور منابع طبیعی، هم پیوسته در چرخه‌های رونق و رکود می‌افتند و هم با در نظر گرفتن کاهش بهای نسبی محصولات صادراتی، روند رو به سقوط را تجربه می‌کنند. در نهایت اینکه این نوع از اقتصادها با روندی رو به پایین روبه‌رو هستند.<sup>(۳۹)</sup> البته یکی از مسائلی که این‌گونه اقتصادها همیشه با آن دست به‌گریبان بوده‌اند و در بسیاری از مواقع تأثیرگذار نیز بوده، گفتمانی است که در حوزه سیاست خارجی خود تعریف می‌کنند. اگر در مرکز گفتمان خود تعامل و مدارا با قدرت‌های بزرگ را قرار دهند کمتر دچار شوک‌های خارجی می‌شوند، ولی بعکس، اگر در مرکز گفتمان، آرمان‌گرایی و دستیابی به اهداف خاص قرار گیرد، با

از منابع طبیعی می‌باشد. چنان‌که حتی اگر این اقتصادها با شوک تجاری نیز روبه‌رو نشوند، احتمال اینکه سیاست‌گذاری‌های نامناسب در مدیریت این درآمدها در مقایسه با چرخه‌های رونق و رکود، آثار منفی بدتری برجای گذارند وجود خواهد داشت. شاید یکی از عمده‌ترین دلایل آن نیز در گفتمانی باشد که در هرم نخبگی این کشورها وجود دارد؛ به دلایلی که بررسی آنها را به مجال دیگر می‌سپاریم. در بسیاری از این کشورها نخبگانی برای ماندن در قدرت تلاش می‌کنند. چون ماندن، همراه با داشتن ثروت است، چه در حوزه گفتمانی و چه در حوزه عملکردی، دست به اقداماتی خاص می‌زنند. سیاست‌گذاری غیرعقلانه به طور معمول سبب افزایش هزینه‌های عمومی در سه سطح می‌شود: اول آنکه سیاست‌گذاران دستگاه حکومتی با اجرای طرح‌های بزرگ و ملی - که آنها را افتخارآفرین نیز می‌دانند - به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش دولتی اقدام نمایند. این عمل، از لحاظ اقتصادی می‌تواند سؤال‌برانگیز باشد؛ چراکه در بسیاری از این موارد وقتی مورد بررسی قرار می‌گیرد مشخص می‌شود که منعقدکنندگان قرارداد براساس مصالح فردی خود اقدام به این عمل نموده‌اند. دوم، دولت‌مردان ممکن است با بهره‌گیری از یارانه (سوبسید)، سیاست جایگزینی واردات برای صنعتی کردن کشور را در پیش گیرند. سوم اینکه نخبگان دستگاه حکومتی، افزایش اشتغال در بخش دولتی را راه‌حل مناسبی برای کاهش بیکاری و آرام‌کردن نارضایتی‌های عمومی تشخیص دهند. زمانی که درآمدهای حاصل از منابع طبیعی افت کند، کاهش هزینه‌های دولت در هریک از عرصه‌ها به لحاظ سیاسی، کاری معقول نخواهد بود؛ زیرا به بنیان‌های مشروعیت حکومت لطمه وارد می‌سازد. از این‌رو، ممکن است مشکل تازه‌ای گریبانگیر دولت شود:

می‌گذارد ناهماهنگ است، گفتمان سیاسی با عملکرد در حوزه اقتصاد سیاسی تطابق ندارد.

### نتیجه‌گیری

وقتی سخن از دولت‌های تحصیلدار و بررسی رابطه گفتمان آنها با عملکرد اقتصادی‌شان به میان می‌آید، مهم‌ترین نکته، در میزان وابستگی به این نوع از درآمد‌هاست. با مشاهده این سخن از دولت‌ها که در مناطقی مانند خاورمیانه و آفریقا شاهد آنها هستیم، درمی‌یابیم که با توجه به ماهیتی نسبتاً اقتدارگرا که در بسیاری از این دولت‌ها وجود دارد، همگی در یک نکته مشترکند و آن اینکه با بالا رفتن درآمد‌ها، گفتمان این دولت‌ها به سمت ماهیت اصلی، یعنی اقتدارگرایی بیشتر، میل می‌کند و عملکردشان در حوزه اقتصاد سیاسی به سمت تصمیم‌گیری‌های غیرعقلانی، ایجاد موانع بر سر راه توسعه بخصوص توسعه انسانی و ایجاد شرایطی که زمینه آسیب‌پذیری از شوک‌های خارجی را فراهم نماید حرکت می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، هر قدر نخبگان، که در رأس هرم نخبگی در این‌گونه کشورها قرار می‌گیرند، شرایط و موقعیت درونی و بیرونی کشور را منطقی و واقع‌بینانه‌تر مشاهده نمایند و برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای سامان‌دهی گردد (بومی‌سازی برنامه‌ها) که کشور برای ورود به شرایط توسعه آماده‌تر شود، گفتمان‌های به کار برده شده توسط نظام سیاسی به گونه‌ای تعریف می‌شود که ثقل مرکزی آن حاکی از عزم نخبگان در دست‌یابی به برنامه‌ها باشد و فقط حوزه گفتمان‌گویی‌ها دستخوش برخی تغییرات می‌شود. در برخی از این نوع دولت‌ها، چون چرخش نخبگان صورت نمی‌گیرد، گفتمان نیز تغییر نمی‌کند و بیشتر حالتی ثابت را دنبال می‌نمایند و تنها در شرایطی خاص تغییراتی را شاهد

تنش‌ها و شوک‌های خارجی زیادی روبه‌رو می‌شوند. همان‌گونه که در بخش اول هم اشاره شد، اگر در حوزه گفتمان‌گویی خود وقته‌های مناسبی نداشته باشند تا در چرخش‌های گفتمانی به کار آیند، با مشکلات داخلی و خارجی دچار خواهند شد. به عبارت دیگر، این‌گونه از دولت‌ها باید در حوزه گفتمان داخلی (برخورد شعاری و کلامی با مردم داخل) و حوزه گفتمانی خارجی (دیپلماسی) در حدی قوی باشند که بتوانند شوک‌ها و برخوردهای خارجی را که بیشتر در قالب تهدیدات مطرح می‌شوند به فرصت‌ها تبدیل نمایند.

یکی دیگر از آثار وجود پدیده رانت منابع طبیعی، تأثیر بر فرهنگ اقتصادی است. به عبارت دیگر، باعث حاکم شدن نوعی روحیه در کشور می‌شود که ویژگی عمده این روحیه، این است که دیگر گزاره «کار و کوشش علت ثروتمند شدن است»، صادق نیست، بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌آفریند.<sup>(۴۰)</sup>

به دلیل آنکه گفتمان‌های حاکم در اکثر کشورهای پیشرفته، بخصوص کشورهایی که نظام سیاسی آنها بر مبنای لیبرال دموکراسی استوار است، متشکل از دال و مدلول‌هایی برای مشارکت حداکثری در نظام‌های سیاسی است تا پایه‌های مشروعیت این نظام‌ها تثبیت و تقویت گردد، از این‌رو در دولت‌هایی که در این مقاله از آنها به عنوان «تحصیلدار» نام برده شد نیز تلاش می‌شود تا به نوعی برای استحکام مبانی مشروعیت تلاش‌های وافر صورت گیرد. به همین دلیل، سعی می‌شود از گفتمانی همانند گفتمان کشورهای پیشرفته با نظام سیاسی لیبرال دموکراسی الگوبرداری شود. ولی این الگوبرداری در گفتمان، با ماهیت تحصیلداری و تأثیراتی که این تحصیلداری بر ماهیت و ساختارهای دولت، روابط دولت با جامعه و همچنین تأثیراتی که بر حوزه اقتصاد

- هستیم، آن هم تغییراتی جزئی در مدل‌های گفتمانی. در گروهی دیگر از این دولت‌ها، چون مقدماتی را برای توسعه پشت‌سر گذاشته‌اند و چرخش در حوزه نخبگی وجود دارد، می‌توانیم شاهد گفتمان‌هایی متفاوت باشیم.
- پی‌نوشت‌ها** .....
1. Berelson Bernard, *Content Analysis in Hand-Book of Social Psychology*, v. 2, p. 495.
  - ۲- ر.ک: الستر پینکوک، «گفتمان‌های قیاس‌ناپذیر»، ترجمه سید علی‌اصغر سلطانی، علوم سیاسی، ش ۴.
  - ۳- دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، ص ۲۰۳.
  4. M. W. Jorgensen, *Reflexivity and the Doubtful of Modern Man: The Discursive Construction of Anthropological Subject Positions*, in G. Weiss and R. Wodak (ed.), *Critical Discourse Analysis: Theory and Interdisciplinarity*, p. 25.
  5. E. Laclau, & C. Mouffe, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, p. 105.
  6. Ibid, p. 112.
  - ۷- سید علی‌اصغر سلطانی، قدرت، گفتمان و زبان سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۶.
  - ۸- همان، ص ۷۹.
  9. E. Laclau, & C. Mouffe, Op.Cit, p. 110.
  - ۱۰- باقر ساروخانی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۲۸۰.
  - ۱۱- کاظم معتمدزاد، روش تحقیق در محتوای مطبوعات، ص ۱۰۵.
  - ۱۲- موریس دورژه، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، ص ۱۱۸.
  - ۱۳- اندرو وینسنت، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، ص ۸۶.
  - ۱۴- ر.ک: پوجی جانفرانکو، تکوین دولت مدرن: درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه بهزاد باشی.
  - ۱۵- ر.ک: ژان بلاندل، حکومت مقایسه‌ای، ترجمه علی مرشدی‌زاده.
  - ۱۶- برتران بدیع، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، ص ۱۱۹.
  - ۱۷- عماد افروغ، نگرش دینی و انتقادی بر مفاهیم عمده سیاسی، ص ۸۵.
  - ۱۸- ر.ک: جیمز بیل، «تحلیل طبقاتی و دیالکتیک‌های نوسازی در طبقه خاورمیانه»، نقد و ترجمه عماد افروغ، راهبرد، ش ۴.
- ۱۹- محمدعلی حسین‌زاده، گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۹.
  - ۲۰- احمد ساعی، مسائلی سیاسی - اقتصادی جهان سوم، ص ۱۹۰.
  - ۲۱- سعید حجاریان، «ناموزونی فرایند توسعه سیاسی در کشورهای پیرامونی»، راهبرد، ش ۲، ص ۶۳.
  - ۲۲- امیرمحمد حاجی‌یوسفی، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، ص ۴۹.
  - ۲۳- ر.ک: حسین رفیعی، «رانت، فساد مالی - اداری»، کتاب نقد، ش ۳۷.
  - ۲۴- محمد خضری، تحلیل اقتصادی رانت جویی در بودجه‌ریزی ...، ص ۳۶.
  - ۲۵- ر.ک: سیدحسین اسحاقی، «مفهوم‌شناسی رانت و رانت‌جویی»، رواق اندیشه، ش ۴۵.
  - ۲۶- عباس عبیدی، دولت تحصیلدار، جامعه رانتیر، در: www.ayande.ir
  27. Mineral Economy.
  - ۲۸- سید عبدالمجید زواری، «رانت نفتی و دولت رانتیر»، سایت باشگاه اندیشه، www.bashgah.net
  - ۲۹- محمد خضری، همان، ص ۳۵.
  - ۳۰- امیرمحمد حاجی‌یوسفی، همان، ص ۵۴.
  - ۳۱- محمد خضری، همان، ص ۷۶.
  - ۳۲- امیرمحمد حاجی‌یوسفی، همان، ص ۵۵.
  - ۳۳- سعید میرترابی، نفت، سیاست و دموکراسی، ص ۶۰.
  34. Jann Lay and Toman Omar Mohamoud, "bananas, Oil and Development, Examining the Resource Curse and its Transmission Channels by Resource Type", *Kiel Working Papers*, No. 1218, P. 8.
  - ۳۵- سعید میرترابی، همان، ص ۱۴۳.
  - ۳۶- همان، ص ۱۴۲.
  - ۳۷- امیرمحمد حاجی‌یوسفی، همان، ص ۶۰.
  38. Mattias Basedau, "Context Matters, Rethinking the Resource Curse in sub-Saharan Africa", *German Overseas Institute (DUI)*, Working Papers, No. 1, p. 7.
  - ۳۹- سعید میرترابی، همان، ص ۱۴۳.
  - ۴۰- امیرمحمد حاجی‌یوسفی، همان، ص ۶۰.

- کوپنیک، الستر، «گفتمان‌های قیاس‌ناپذیر»، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، *علوم سیاسی*، ش ۴، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۱۸-۱۵۷.
- مارش، دیوید و جری استوکر، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، چ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.
- معتمدنژاد، کاظم، *روش تحقیق در محتوای مطبوعات*، تهران، دانشکده علوم ارتباطی و اجتماعی، ۱۳۵۶.
- میرترابی، سعید، *نفت، سیاست و دموکراسی*، تهران، قومس، ۱۳۸۷.
- وینسنت، اندرو، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، چ ششم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- Giacomo Luciani, "Oil and Political Economy in the International Relations of the Middle East", in Louise Fawcett ed., *International Relations of the Middle East*, Oxford, Oxford University Press, 2005.
- Jann Lay and Toman Omar Mohamoud, "bananas, Oil and Development, Examining the Resource Curse and its Transmission Channels by Resource Type", *Kiel Working Papers*, No. 1218, August 2004.
- Jorgensen, M. & L. Phillips, *Discourse Analysis as Theory and Method*, London, Sage Publications, 2002.
- Jorgensen, M. W, Reflexivity and the Doubles of Modern Man: The Discursive Construction of Anthropological subject Positions, in G. Weiss and R. Wodak (eds), *Critical Discourse Analysis: Theory and Interdisciplinarity*. Houndmills, Palgrave Macmillan, 2003.
- Laclau, E, & C. Mouffe, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, London, Verso, 1985.
- Matthias Basedau, "Context Matters, Rethinking the Resource Curse in sub-Saharan Africa", *German Overseas Institute (DUI)*, Working Papers, No. 1, May 2005.
- ..... **منابع**
- اسحاقی، سیدحسین، «مفهوم‌شناسی رانت و رانت‌جویی»، *رواق اندیشه*، ش ۴۵، شهریور ۱۳۸۴، ص ۲۱-۳۲.
- افروغ، عماد، *نگرش دینی و انتقادی بر مفاهیم عمده سیاسی*، تهران، نشر فرهنگ و دانش، ۱۳۸۰.
- بدیع، برتران، *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، قومس، ۱۳۶۱.
- بلاندل، ژان، *حکومت مقایسه‌ای*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- بیل، جیمز، «تحلیل طبقاتی و دیالکتیک‌های نوسازی در طبقه خاورمیانه»، نقد و ترجمه عماد افروغ، راهبرد، ش ۴، پاییز ۱۳۷۳، ص ۹۳-۱۲۲.
- پیوجی، جانفرانکو، *تکوین دولت مدرن: درآمدی بر جامعه‌شناختی*، ترجمه بهزادباشی، تهران، آگاه، ۱۳۷۷.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*، چ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- حجاریان، سعید، «ناموزونی فرآیند توسعه سیاسی در کشورهای پیرامونی»، *راهبرد*، ش ۲، زمستان ۱۳۷۲، ص ۲۳-۷۶.
- حسین‌زاده، محمدعلی، *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- خضری، محمد، *تحلیل اقتصادی رانت‌جویی در بودجه‌ریزی ...* پایان‌نامه دکتری، رشته اقتصاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳.
- دوورژه، موریس، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه خسرو اسدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- رفیعی، حسین، «رانت، فساد مالی - اداری»، *کتاب نقد*، ش ۳۷، زمستان ۱۳۸۴، ۱۸۱-۲۴۸.
- زواری، سید عبدالمجید، «رانت نفتی و دولت رانتیر»، سایت باشگاه اندیشه، [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)
- ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
- ساعی، احمد، *مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم*، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- سلطانی، سید علی اصغر، *قدرت، گفتمان و زبان سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.